



---

## جشن سده

روز مهر از ماه بهمن، شانزدهمین روز از بهمن باستانی، در گاهشمار ایرانی، / ۱۰ بهمن خورشیدی

جشن سده از زمان های بسیار دور به یادگار مانده است و جشن پیدایش آتش است. روایت آن در شاهنامه فردوسی چنین آمده است: روزی هوشنگ شاه به همراهی یاران خود به کوه می‌رود. در راه به مار تنومندی برخورد می‌کند و با سنگ بزرگی به جنگ او می‌شتابد. سنگ را به سوی مار پرتاب می‌کند؛ سنگ به سنگ دیگری برخورد کرده، جرقه ای بیرون می‌جهد و به خار و خاشاک اطراف شعله می‌کشد و آتش فروزان پدیدار می‌گردد و مار می‌گریزد. هوشنگ فرمان داد برای پیدایش آتش فروغ ایزدی جشنی گرفتند و شادی کردند و نگذاشتند که آتش خاموش شود؛

نیا را همی بور آیین و کیش/پرستیدن ایزدی بود پیش  
بدآن گه بدی آتش خوبرنگ/چو مرتازیان است محراب سنگ  
بسنگ اندر آتش ازو شد پدید/کزو روشنی در جهان گسترید  
یکی روز شاه جهان سوی کوه/گذر کرد با چند کس همگروه  
پدید آمد از دور چیزی دراز/سیه رنگ و تیره تن و تیز تاز  
دو چشم از بر سر چو دو چشمه خون/زدود دهانش جهان تیره گون  
نگه کرد هوشنگ با هوش و سنگ/گرفتش یکی سنگ و شد تیز چنگ  
بزور کیانی رهانید دست/جهانسوز مار از جهانجو بجست  
بر آمد به سنگ گران سنگ خرد/همان و همین سنگ بشکست خرد  
فروغی پدید آمد از هر دو سنگ/دل سنگ گشت از فروغ آذرنگ  
نشد مار کشته ولیکن زراز/پدید آمد آتش از آن سنگ باز  
هر آن کس که بر سنگ آهن زدی/ازو روشنایی پدید آمدی  
جهاندار پیش جهان آفرین/نیایش همی کرد و خواند آفرین  
که او فروغی چنین هدیه داد/همین آتش آنگاه قبله نهاد  
بگفتا فروغیست این ایزدی/پرستید باید اگر بخردی  
شب آمد بر افروخت آتش چو کوه/همان شاه در گرد او با گروه  
یکی جشن کرد آن شب و باده خورد/سده نام آن جشن فرخنده کرد  
ز هوشنگ ماند این سده یادگار/بسی باد چون او دگر شهریار  
کز آباد کردن جهان شاد کرد/جهانی به نیکی از او یاد کرد

و از آن پس، جشن سده برگزار میگردد. سده از واژه "ست" در زبان پهلوی آمده است و معنی آن صد می باشد. بنا بر تقسیم فصلی ایران باستان، آغاز فروردین تا پایان مهر ماه تابستان بزرگ و از اول آبان تا پایان اسفند را زمستان می نامیدند. سده هنگامی است که صد روز از زمستان میگذشت و یا به روایت امروزه، ۵۰ شب و ۵۰ روز به جشن نوروز مانده است. اجرای مراسم جشن سده بدین گونه می باشد؛

آنچنان که از بسیاری اشارات نویسندگان، مورخان و پژوهشگران، آشکار است، جشنهای نوروز، سده و مهرگان، جشنهایی بوده است همگانی که با سرور و شادمانی و به صورت کارناوال برپا می شده است. مردمان هریک به فراخور توان به تهیه هیزم و خار و خاشاک به ویژه چوب می پرداختند و پشته هایی از آنها فراهم می کردند و آتش می زدند، سپس با صورتک هایی بر چهره و دست افشانی و پایکوبی تا چندین روز با گریز از همه ی قیود، به جشن و شادمانی مشغول می شدند. گروه موزیک هم از آغاز تا پایان، آهنگ شادی می نواخته است. آتشها در بالای پشت بامها یا در دشتها و بلندیها روشن می شد، مراسم جشن سده علاوه بر آتش افروزیهای گسترده، با برپایی مجالس سور و سرور و میهمانیهای بسیار مفصل همراه بوده است. پس از مراسم آتش افروزی، نیز این میهمانیها ادامه داشته و بر سر خوان می نشستند و نوشخواری در حد افراط از رسوم بوده است. مجالس رقص و موسیقی و آواز تا بامدادان به طول می انجامید و روز پس از جشن، پادشاه و بزرگان به پذیرایی می نشستند. زرتشتیان با شادی و پیروزی شعله ور شدن آتش سده را جشن می گیرند و به امید آنکه تا جشن سال دیگر روشنایی و گرمی در دلهایشان باشد، به خانه باز میگردند

---

